

# کاربست همرسانی تجربه زیسته معلمان در قالب اتوبیوگرافی از طریق شبکه‌های اجتماعی برای آموزش همکاران

طهماسب کاووسی<sup>۱</sup> ◎ دکتر عفت عباسی<sup>۲</sup> ◎ دکتر محمد عطاران<sup>۳</sup> ◎ دکتر علی حسینی خواه<sup>۴</sup>

**چکیده:** هدف از پژوهش حاضر ارائه یک مدل کاربردی برای همرسانی تجربه زیسته معلمان در قالب اتوبیوگرافی از طریق شبکه‌های اجتماعی برای آموزش همکاران بود. این مطالعه به شیوه روایتی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق اجرای یک برنامه آموزش ضمن خدمت با استفاده از یادداشت‌های میدانی و تعاملات معلمان با یکدیگر گردآوری شده و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل مضمونی انجام شده است. نتایج نشان داده که همرسانی دانش عملی و شخصی معلمان در قالب اتوبیوگرافی از طریق شبکه‌های اجتماعی، از سوی همکاران مورد پذیرش واقع شده و برای دستیابی به اهداف «آموزش معلمان از طریق همرسانی اتوبیوگرافی در شبکه‌های اجتماعی»، چهار راهبرد آموزشی شامل مدیریت تسهیم دانش، شکل‌گیری گروه مطالعه، آموزش و یادگیری به صورت گروهی و آموزش از طریق دانش حاصل از پژوهش روایتی، پیشنهاد می‌شود. پژوهش حاضر، اتوبیوگرافی معلمان را در فهم و تفسیر تجربیات شان و چگونگی سهیم شدن سایر معلمان در آن، مورد توجه قرار داده و نقش شبکه‌های اجتماعی را در اشتراک‌گذاری دانش عملی و شخصی معلمان که حاصل به کارگیری نظریه‌های مربوط به تدریس و یادگیری در فعالیت روزمره کلاس درس است، تبیین نموده است. بر مبنای نتایج، با اضافه شدن روشی کاربردی و خلاقانه برای همرسانی تجربه زیسته معلمان به روند اجرای برنامه‌های مرسوم ضمن خدمت معلمان، به آنها امکان داده خواهد شد تا فرصتی برای بازندهی و تغییر درباره برنامه درسی و تدریس داشته باشند.

**کلید واژگان:** اتوبیوگرافی، پژوهش روایتی، تجربه زیسته، راهبرد آموزشی، شبکه‌های اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۹

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

## مقدمه

سهیم شدن معلمان در تجربه زیسته یکدیگر، فرصتی مغتنم برای بازآندیشی درباره برنامه درسی و تدریس فراهم می‌سازد. این پژوهش بر مبنای این اندیشه پی‌ریزی شده است که از طریق اتوپیوگرافی معلمان، سهیم شدن آنان در فهم و درک تجربیات‌شان می‌تواند برای آموزش و بهسازی همدیگر راهگشا باشد. این سهیم شدن، به برنامه‌های ارتباطی مناسب نیاز دارد که از طریق فرایندهای پاسخگویی، اجتماعی و پویا نمود پیدا می‌کنند، بهطوری که «از طریق تمرکز بر سیر میان فضاهای متنوع و یادگیری از نقطه‌نظرات و عقاید افراد، توجه به شرایط آموزش و یادگیری، بهره‌گیری از فرایندهای یادگیری تجربی و تعهد و شور و شوق مداوم کسانی که برای توسعه و حفظ مشارکت کار می‌کنند، ارتباطات نظری / عملی افزایش می‌باید» (مک‌گراو، درسن، گیلبرتسون و بیکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷، ۵۱: ۲۰). از این‌رو در این مطالعه، توجه ما به بهره‌گیری از مکانیزم‌های ارتباطی جدید در اشتراک‌گذاری اتوپیوگرافی معلمان، جلب شده است، زیرا بی‌تر دید امروزه، به دلیل روند گسترش سریع و دامنه‌دار اطلاعات از یکسو و نیز لزوم دسترسی سریع و آسان به اطلاعات از دیگر سو، بهره‌گیری از مکانیزم‌های ارتباطی جدید همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی، یک ضرورت است. از این‌رو، بررسی چگونگی بهره‌گیری از ویژگیها و قابلیتهای شبکه‌های اجتماعی مجازی برای همسانی اتوپیوگرافی معلمان و دربی آن پرداختن به چگونگی بهره‌مندی از آن در آموزش‌های ضمن خدمت، ایده‌ای قابل ملاحظه است.

به کارگیری روش‌های مرسوم سنتی و الگوهای تک‌ذهنی و تک‌گفتاری یکی از مسائل اساسی است که به تجربه در روند اجرای برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت معلمان، مشاهده می‌شود. در این شیوه آموزش، معمولاً مطالبی در حوزه دانش برای معلمان تشریح و ارائه می‌شود. بدیگر اوقات، از نظریه‌ها و الگوهای موجود در کتابها و مقالاتی استفاده شده که حاصل تجربه‌های کشورهای دیگر است و به انتقال دستاوردهای تجربه شده دیگران بسته می‌شود. این در حالی است که از به کارگیری تجربیات خود معلمان در دوره‌های آموزشی مذکور غفلت شده است. این مسئله انگیزه معلمان را برای به کارگیری دانش دریافت شده از این آموزشها در موقعیت تدریس و یادگیری کلاس درس خودشان، کاهش می‌دهد و در نتیجه برای بازآندیشی و تغییر درباره برنامه درسی و تدریس تلاشی از جانب معلمان صورت نمی‌گیرد. اگرچه در این آموزشها، معلمان به کاربرد روش‌های جدید و مبتنی بر قابلیتهای خود یادگیرندگان تشویق می‌شوند، اما در عین حال اجرای این دوره‌ها با روش‌های سنتی صورت می‌گیرد. از جمله مصاديق آن به کارگیری فناوری در آموزش در حد مکانیزمی است برای دوره‌های ارائه محظوظ در قالب نظریه‌ها و دستاوردهای تجربه شده دیگران، ضمن آنکه در آموزش‌های ضمن خدمت از تجربیات زیست‌شده خود معلمان به نحو شایسته استفاده نمی‌شود. این مسئله یک ضعف جدی است و از این‌منظور می‌توان گفت آموزش‌های ضمن خدمت معلمان گرفتار نوعی پارادوکس است. از این‌رو برمبنای مسئله مذکور لازم است به منظور بهره‌گیری از تجربیات خود معلمان در دوره‌های آموزشی در راستای رشد

1. McGraw, Dresden, Gilbertson & Baker

و توسعه حرفه‌ای آنان به طراحی پژوهش‌هایی اقدام کرد که به تبیین شرایط تأثیرگذار بر چگونگی بهره‌مندی از امکانات موجود در فرایند توسعه و بالندگی معلمان و پیامدهای آن بینجامد. از این‌رو از منظر این پژوهش با توجه به شرایط و قابلیتهای شبکه‌های اجتماعی، بهره‌گیری از اتوپیوگرافی معلمان که ویژگی روایتی یا روایت گذشته‌گرا و نشرگونه دارد، برای کمک به امر آموزش و بهسازی معلمان، ایده‌ای مناسب است. لذا پرسش اساسی پژوهش این است که چگونه می‌توان ایده همراهانی اتوپیوگرافی معلمان در شبکه‌های اجتماعی را با هدف آموزش همکاران محقق ساخت؟

## ■ مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

بر مبنای «مفروضه اساسی دیدگاه سازنده‌گرایانه، یادگیرنده با قرار گرفتن در موقعیتهای اصیل یادگیری، دانش را در اندیشه‌اش می‌آفریند و یادگیری از طریق پیشینه پیچیده خود یادگیرنده تعیین می‌شود» (دیویس و سومارا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). «از منظر سازنده‌گرایی اجتماعی، فرد به‌مثابه یک نظام یادگیری، درون یک نظام یادگیری وسیع‌تر قرار می‌گیرد» (دیویس و سومارا، ۲۰۱۰: ۴۸۹) و «جداسازی یادگیری از مفاهیم همکاری، تعامل و اجتماع غیرممکن است» (لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۱۴). روایت کردن یک تجربه، ابزاری مناسب برای سهیم کردن تجربه خود با دیگران به منزله یک نتیجه و یک فرایند است به گونه‌ای که هم مخاطبان این تجربه و هم راوی بتوانند این تجربه را بازسازی کنند و در نتیجه فهمی مشترک از آن بیابند (رزنتال و فیشر رزنتمال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۲۵۹). «به‌زعم ریچارد بات<sup>۴</sup> و دانیل ریموند<sup>۵</sup> از طریق اتوپیوگرافی می‌توان نحوه تفکر، احساس و عمل معلمان را فهمید و مفهوم «بیوگرافی جمعی» برای نشان دادن اهمیت و ضرورت گزارش‌دهی و تحریزه و تحلیل تجربه مشترک و سهیم‌شده معلمان به کار گرفته شده است» (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۶: ۱۶۹). در این راستا، پژوهش‌های گذشته (مانند صائبی، فتحی‌واجارگاه، عطاران و فروغی ابری، ۱۳۹۳؛ مک‌گراو و همکاران، ۲۰۱۷؛ سلندر<sup>۶</sup>؛ کلارک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶؛ والتونن، کوکونن، کونتکانن، سورمون، دیلوون و سوینتو<sup>۸</sup> ۲۰۱۵) اشتراک‌گذاری روایتهای حاصل از تجرب رزیسته معلمان را در برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار داده‌اند.

پژوهش‌های نشان داده‌اند که مشارکت معلمان در تبادل دانش با یکدیگر از طریق مدل‌های گفت و شنودی رشد حرفه‌ای، میسر شده است (تیلما و اورلند-باراک<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). در این زمینه هادر و بروودی<sup>۱۰</sup> یک پارادایم جدید در حوزه رشد حرفه‌ای، تحت عنوان پارادایم اجتماعات یادگیری مطرح کرده‌اند

1. Davis & Sumara
2. Lee
3. Rosenthal & Fischer-Rosenthal
4. Richard Butt
5. Danielle Raymond
6. Selland
7. Clarke
8. Valtonen, Kukkonen, Kontkanen, Sormunen, Dillon & Sointu
9. Tillema & Orland-Barak
10. Hadar & Brody

این پارادایم بر ارتباطات میان-فردی و فعالیتهای میان معلمان تأکید دارد. پیامد شرکت در اجتماعات یادگیری، شکستن انزوای حرفه‌ای و در نتیجه رشد و بالندگی حرفه‌ای معلمان است (هادار و بروڈی، ۲۰۱۰).

اجتماعات یادگیری میان معلمان به این سبب پدید می‌آیند که آنان بهمنظور بهبود عملکرد و افزایش کیفیت تدریس خود، همکاران و افراد با تجربه دیگر را بهمثابه یک منبع یادگیری جستجو می‌کنند و از این رهگذر، فضاهای اجتماعی سازمان یافته‌ای برای گفتگوهای همکارانه فراهم می‌شود (پریستریچ، ۲۰۱۰).

در این اجتماعات، گفت و شنود همکارانه رخدادی مهم برای معلمانی است که مدام در جستجوی نظرات بهترند. در این فرایند، معلمان در تعامل مداوم، به توانمندی‌هایی دست می‌یابند که اراده آنان را به تغییردادن باورها و عملکرد حرفه‌ای خود تقویت می‌کنند. مفهوم اجتماعات یادگیری بر دو مفروضه اساسی استوار است: اول، تجربیات زیسته روزمره معلمان، مبنای جستجوی فهم و دانش قرار می‌گیرد و دوم، مشارکت فعالانه در اجتماعات یادگیری حرفه‌ای، به افزایش دانش حرفه‌ای می‌انجامد و در نتیجه سبب افزایش یادگیری دانش‌آموز می‌شود (لیم و لی، ۲۰۱۴: ۳۷).

توجه به این اجتماعات یادگیری و الگوهای تعاملی و میان‌ذهنی ایجاب می‌کند که روش‌های مرسوم سنتی و الگوهای تک‌ذهنی و تک‌گفتاری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان جای خود را به فرهنگ آموزشی در خور دنیای امروز و مناسب با فضاهای متحول اطلاعات و ارتباطات امروزی بدنهند. دلایل فوق کمک کرد تا با مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش، چارچوبی مناسب، شامل مفاهیم و سازه‌های نظری بهره‌گیری از بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی برای همسانی اتوپیوگرافی معلمان، شکل بگیرد (جدول ۱).

جدول ۱. چارچوب مفاهیم نظری و منابع مورد مطالعه

مطالعه ادبیات	مؤلفه‌های نظری استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی برای همسانی تجربه زیسته معلمان
مک‌گراو و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۱۹۸۹؛ بات و ریموند، ۲۰۱۶	● زمینه مشارکت در ماهیت پیچیده و شخص-محور آموزش و یادگیری
کلارک، ۲۰۱۶؛ والتون و همکاران، ۲۰۱۵؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ گریفیث و لیانج، ۲۰۰۸	● قابلیت استفاده برای مقاصد آموزشی

1. Prestridge
2. Lim & Lee
3. Liu
4. Griffith & Liyanage

## جدول ۱. (ادامه)

مؤلفه‌های نظری استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی برای همراهانی تجربه زیسته معلمان	مطالعه ادبیات
● بهبود روند تدریس و یادگیری	مک‌گراو و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۶
● مکمل برنامه‌های آموزشی	مک‌گراو و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۶
● اشتراک‌گذاری و تولید دانش میان افراد	پارکر، موری اور، میتون کوکنر، گریفین و پاشور، ۲۰۱۷؛ توبن-لیندزی، رودز، و لوزانو، ۲۰۱۵؛ جانکو، ۲۰۱۲؛ سلوین، ۲۰۰۹؛ شرودر و گرینبو، ۲۰۰۹
● تسهیل و ارتقای یادگیری	لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ توبن-لیندزی و همکاران، ۲۰۱۵؛ لاو و لافی، ۲۰۱۱
● تعامل و تجارت یادگیری مشارکتی	پارکر و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۶
● افزایش خلاقیت و بهبود کیفیت آموزش	توبن_لیندزی و همکاران، ۲۰۱۵
● تنوع و غنا بخشیدن به محیط یادگیری	کلارک، ۲۰۱۶؛ لیتو، هوانگ، چن و هوانگ، ۲۰۱۵
● محیط یادگیری مؤثر پرورش همکاری میان افراد	پارکر و همکاران، ۲۰۱۷؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۵
● ارتقای توان آموزشی و علمی افراد	صائمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ پارکر و همکاران، ۲۰۱۷
● بهره‌گیری از پژوهش روایتی مشارکتی	مک‌گراو و همکاران، ۲۰۱۷؛ سلند، ۲۰۱۷؛ پارکر و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۶؛ بات و ریموند، ۱۹۸۹
● ارائه روایتهای تجربی به عنوان محور تدریس	عطاران و عبدالی، ۱۳۹۱؛ سلند، ۲۰۱۷؛ کریگ، ۲۰۱۱؛
● فهم و درک زندگی معلم در مدرسه	لی و لوگان، ۲۰۱۷؛ راگونادن، ۱۳۹۱؛ چوی، ۱۳۹۰؛ بات و ریموند، ۱۹۸۹

- Parker, Murray-Orr, Mitton-Kukner, Griffin & Pushor
- Toven-Lindsey, Rhoads & Lozano
- Junco
- Selwyn
- Schroeder & Greenbowe
- Lowe & Laffey
- Liao, Huang, Chen & Huang
- Craig
- Li & Logan
- Ragoonaden
- Choi

## روش

روش این پژوهش، با بهره‌گیری از تعاملات انسانی و یادداشت‌های میدانی در یک اجتماع گفتمنانی آموزش معلمان بهصورت روایت‌پژوهی بوده است. «زمانی که پژوهشگر امکان برقراری پیوندی نزدیک با مشارکت‌کنندگان می‌یابد و زمانی که مشارکت‌کنندگان داستانهایی می‌گویند که در آنها شرح وقایع در گذر زمان وجود دارد، پژوهش روایتی بسیار کمک‌کننده است» (کرسول، ۱۴۰۲: ۵۰۲ و ۵۰۸). با استفاده از این روش، به مدت سه ماه همراه شدن با مشارکت‌کنندگان پژوهشی و نزدیک شدن به آنان، روایتهای آنان از آنچه در فرایند همرسانی اتوبيوگرافی در شبکه‌های اجتماعی مجازی را در گذر زمان تجربه کرده‌اند، دریافت شد. در این روش، تلاش شد تا از طریق این روایتها تجربه آنان درک شود.

گروه هدف، متشکل از معلمان آشنا به شرح حال نویسی و اتوبيوگرافی بود که عملاً فرایند همرسانی اتوبيوگرافی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلگرام) را در قالب یک برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان به مدت سه ماه تجربه کردند. این دوره با مجوز اداره آموزش و پرورش میانه در مقطع دوره ابتدایی با موضوع «درس‌پژوهی» در تابستان ۱۳۹۷ اجرا شد. از میان این گروه از معلمان، تعداد شرکت‌کنندگانی که به‌طور داوطلبانه در این پژوهش مشارکت داشتند و کار را ادامه دادند هجدو نفر بودند که تجربه نگاشت تجارب خود را در برنامه‌هایی چون «معلم‌پژوهنده»، «درس‌پژوهی»، «خاطرنویسی» و «وبلاگ‌نویسی» داشتند.

گردآوری داده‌ها ابتدا با مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش آغاز شد، سپس مؤلفه‌های نظری استفاده از بسترهای اجتماعی مجازی برای همرسانی اتوبيوگرافی معلمان شناسایی و تعیین شدند. پس از آن، در موقعیت عمل، در طول اجرای برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان، با ایجاد شبکه‌ای از آنان در تلگرام، از معلمان مشارکت‌کننده خواسته شد که در اوقات فراغت خود در زمینه برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان - که مربوط به موضوع «درس‌پژوهی» می‌شد - تجرب رزیسته خود را در محیط اجتماعی مجازی در قالب اتوبيوگرافی روایت کنند. در این مرحله از کار، هدف پژوهشگر صرفاً این بود که در یک موقعیت تجربی، مشارکت‌کنندگان بتوانند عملاً در یک اجتماع یادگیری، گفت‌وشنودی آگاهانه درباره موضوع دوره آموزشی صورت دهند و تجرب رزیسته خود را در قالب اتوبيوگرافی، همرسانی کنند. با گذشت یک‌ماه از اجرای همرسانی تجربیات زیسته معلمان در محیط مجازی، پژوهشگر (مدرس ضمن خدمت) در چند نوبت، نشستهایی با حضور این معلمان درباره فرایند خود زیستنگاری در شبکه اجتماعی مجازی برگزار کرد. در این نشستهای، مشارکت‌کنندگان اندیشه‌ها و تفسیرهای خود را از همرسانی اتوبيوگرافی در محیط مجازی روایت کردند. محور روایتهای آنان تغییراتی بود که به سبب همرسانی اتوبيوگرافی در شبکه اجتماعی مجازی، در خود حس می‌کردند. به این ترتیب دیدگاههای آنها از زبان خودشان

1. Creswell

دریافت شد. پژوهشگر به کمک یکی از مشارکت‌کنندگان که در ثبت واقایع مهارت لازم را داشت، به ثبت و سازمان‌دهی روایتها اقدام کرد. از این راه، موارد غیرمرتب یا تکراری، حذف شدند و به منظور تطبیق با نظر مشارکت‌کنندگان، با آنها تبادل نظر شد و طی بازبینی مجدد و در نکاتی با بازنگری، ضمن شناسایی مفروضه‌های نهفته در روایتها آنان، موارد متفاوت و مغایر با نظر مشارکت‌کنندگان اصلاح شدو به تأیید آنان رسید. در نهایت روایتها مشارکت‌کنندگان به شیوه مضمونی (ریسمان<sup>1</sup>، ۸۰۰۸) مورد تحلیل قرار گرفتند.

## ■ یافته‌ها

در بخش مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش، ابتدا یافته‌های نظری در قالب یک چارچوب، شامل مفاهیم و سازه‌های نظری برای کمک به پژوهشگر در فرایند اجرای پژوهش و تحلیل علمی و منطقی استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی برای همراهان اتوپیوگرافی معلمان شکل گرفت (جدول ۱). در ادامه، مفاهیم حاصل از روایتها معلمان از تجربه همراهان اتوپیوگرافی در اجتماع یادگیری مجازی ارائه می‌شود.

### ۱. تحقق بیان آزاد حقایق درونی درباره عمل تربیتی

معلمان بر این باورند که از طریق همراهان تجربه زیسته در دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان، «بیان آزاد حقایق درونی درباره عمل تربیتی» تحقق می‌یابد (جدول ۲).

برای نمونه، در این زمینه یکی از معلمان می‌گوید:

«از دید من، برخی از مسائل در مدرسه وجود دارد که روایت آنها به شیوه اتوپیوگرافی برایم راحت‌تر است. می‌توانم احساساتم را نسبت به آنها ابراز کنم و از ضعفها و کاستیهای موجود در مدرسه و از نیازهای و توقعی که از کلاس درس و تعلیم و تربیت دانش آموزان دارم، آزادانه بنویسم...» (معلم ۲).

پیرو نظر معلم شماره ۲، یکی دیگر از معلمان می‌گوید:

«نوشتن تجربه زیست شده، نگاهم را نسبت به کار تعلیم و تربیت دقیق‌تر می‌کند، به طوری که باورها و نگرشم را درباره مدرسه، کلاس درس و تدریس و یادگیری آزادانه بیان می‌کنم...» (معلم ۱۱).

سایر معلمان مطالبی کم و بیش مشابه آنچه گفته شد، بیان کردند و حاصل نظرات آنها این بود که معلمان با اتوپیوگرافی در شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند احساسات و توقعات‌شان را درباره تعلیم و تربیت آزادانه مطرح کنند و از اعتقاد درونی‌شان نسبت به اوضاع مدرسه، مسائل کلاس درس و مباحث تدریس و یادگیری پرده بردارند.

1. Riessman

**جدول ۲.** ساخت مفهوم «بیان آزاد حقایق درباره عمل تربیتی» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فراوانی مضامین
۱ پ	<p>معلم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● احساسات خود را درباره تعلیم و تربیت آزادانه بیان می‌کند؛</li> <li>● نیازهای خود را آزادانه در عمل تربیتی بیان می‌کند؛</li> <li>● انگیزه‌های خود را در عمل تربیتی آزادانه بیان می‌کند؛</li> <li>● باور خود را درباره تعلیم و تربیت آزادانه بیان می‌کند؛</li> <li>● نوع نگرش خود را درباره تعلیم و تربیت آزادانه بیان می‌کند.</li> </ul>	برگرفته از نظرات معلمان شماره ۱۸، ۷، ۲

## ۲. تحقق رویش اندیشه

در این زمینه، یکی از معلمان از تجربه خود و بازخوردهایی که از همرسانی تجارب زیسته همکاران در فضای مجازی دریافت کرده است، چنین می‌گوید:

«به واسطه اتوپیوگرافی، به تجارت زیست‌شده رجوع می‌کنم، مسائل مربوط به کلاس درس را مرور می‌کنم و درباره آنچه در گذشته اتفاق افتاده تأمل و فکر می‌کنم. چه کارهایی کردیم و چه ابتکاراتی در کلاس درس داشته ام و با یادآوری آنها، به راه حل‌های جدید فکر می‌کنم و برای عملی ساختن ایده‌هایی که به ذهنم می‌رسد، تصمیم می‌گیرم...» (معلم ۱۰).

معلم شماره ۷ به همکارش می‌گوید:

«... معلم می‌تواند درباره تعلیم و تربیت ایده و حتی نظریه بدهد».

معلم شماره ۱۰ پاسخ می‌دهد:

«همزمان با اتوپیوگرافی جزئیات تجربه زیست‌شده مورد بازبینی و تحلیل قرار می‌گیرد و پس از آن به یک جمع بندی و باوری می‌رسیم که حاصل فهم ما از آن تجربه است. من فکر می‌کنم با اتوپیوگرافی کردن، ضمن نقد رفتارها و اتفاقاتی که در کلاس درس رخداده است، گامی فراتر می‌گذاریم و برای آموزش و یادگیری مؤثر در کلاس تلاش بیشتر می‌کنیم...».

**جدول ۳.** ساخت مفهوم «رویش اندیشه» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآوانی مضامین
۲ پ	<p>علم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>با تفکر در مسائل کلاس درس خود، ابتکارات خود را ارائه می‌دهد؛</li> <li>به نظریه‌ورزی تربیتی می‌پردازد؛</li> <li>با تفکر و تأمل در تجربه شخصی به استخراج معنا می‌پردازد؛</li> <li>تجربه زیسته خود را با داشن نظری به تعامل می‌گذارد؛</li> <li>فکرانه به خواسته‌های خود توجه می‌کند؛</li> <li>درباره تدریس و یادگیری در کلاس درس خود بازآندیشی می‌کند.</li> </ul>	<p>برگرفته از نظرات معلمان</p> <p>شماره ۷، ۲، ۱۰ و ۱۸</p>

### ۳. تحقق فراخ‌اندیشی

**جدول ۴.** ساخت مفهوم «فراخ‌اندیشی» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآوانی مضامین
۲ پ	<p>علم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>از طریق نوشتن، دید خود را نسبت به واقعی کلاس درس خود وسعت می‌بخشد؛</li> <li>از محدودنگری فاصله می‌گیرد و به فراخ‌اندیشی گرایش پیدا می‌کند؛</li> <li>از تحلیل صرف دور می‌شود و به ترکیب تمایل پیدا می‌کند؛</li> <li>از انتقاد صرف فاصله می‌گیرد و به پیش راندن آموزش و یادگیری اقدام می‌کند.</li> </ul>	<p>برگرفته از نظرات معلمان</p> <p>شماره ۷، ۲، ۱۰ و ۱۸</p>

## ۴. تحقیق پرورش همکاری

به این معنا که حین آموزش‌های ضمن خدمت با همرسانی تجربیات زیسته همکاران در فضای مجازی، معلم به یادگیری مؤثری برای پرورش همکاری میان خود و سایر افراد دست می‌یابد. همان طور که یکی از معلمان می‌گوید:

«... در این روش شرایطی فراهم شد که با همکاری معلمان، اجتماع آنان در محیط مجازی شکل گرفت و در ارتباط با مسائل و زمینه‌های حوزه کاری خودشان با همدیگر گفت‌و‌گو و تعامل کردند. در این شرایط با یادگیری مؤثری که برای پرورش همکاری و تعامل در میان معلمان صورت گرفت، بارها شاهد این بودیم که هر موقع یکی از همکاران مطلبی را به اشتراک می‌گذاشت، بازخورده بود که او به بحث‌ها در گروه نشان می‌داد...» (معلم ۱۵).

**جدول ۵.** ساخت مفهوم «پرورش همکاری» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآواتی مضامین
	معلم حین اتوبیوگرافی در شبکه اجتماعی:	
۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>● به یادگیری مؤثری برای پرورش همکاری میان خود و سایر افراد دست می‌یابد؛</li> </ul>	برگرفته از نظرات معلمان شماره ۱۰، ۷، ۲ و ۱۸ و ۱۵
۴ پ	<ul style="list-style-type: none"> <li>● به یادگیری مؤثری برای تعامل میان خود و سایر همکاران دست می‌یابد؛</li> <li>● در شکل‌گیری اجتماع معلمان مبتنی بر بحث و گفت‌و‌گو در محیط مجازی همکاری می‌کند؛</li> <li>● با دریافت بازخوردها از جانب همکاران، برای تعامل با آنها روحیه می‌گیرد.</li> </ul>	

## ۵. تحقیق بازسازی تجارب

در این زمینه، یکی از معلمان حاصل تجربه خود را از همرسانی تجارب زیسته در فضای مجازی این‌طور بیان می‌کند:

«من معتقدم حین اتوبیوگرافی در شبکه اجتماعی، هر کدام از ما با بازبینی تجربیمان تصمیم می‌گیریم نسبت به بهبود روند تدریس و یادگیری اقدام کنیم، وقتی نوشه‌های همکاران را در محیط مجازی می‌خوانم، برای بهبود وضعیت کلاس درس، به سراغ اشتباهات و کاستیهایی که وجود دارد می‌روم و در خصوص آنها، راه حل‌های مختلف را بررسی می‌کنم...» (معلم ۳).

## جدول ۶. ساخت مفهوم «بازسازی تجارب» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآوانی مضامین
۵	<p>علم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"><li>● به بازسازی تجارب خود می‌پردازد؛</li><li>● برای بهبود تدریس و یادگیری کمک می‌کند؛</li><li>● ضمن آگاهی بر اشتباهات خود، راه حل‌هایی برای رفع و جبران اشتباهات ارائه می‌کند؛</li><li>● در زمینه اشکال آموزش خلاقیت نشان می‌دهد.</li></ul>	برگرفته از نظرات معلمان شماره ۷، ۳، ۲، ۱۵، ۱۰ و ۱۸

بر پایه دیدگاه‌های معلمان، پنج مقوله یاد شده بهمنزله نتیجه مطلوب و هدف پدیده «همرسانی تجربیات زیسته در شبکه‌های اجتماعی مجازی» قلمداد می‌شوند.

افزون بر این، با معنایابی و تحلیل اطلاعات حاصل از گفت و شنودهای معلمان، در اظهارات آنان به شیوه‌های عمل خاصی (راهبردها) اشاره شده است که از پدیده اتوپیوگرافی در شبکه‌های اجتماعی مجازی منتج شده‌اند.

### ۱. راهبرد «مدیریت تسهیم دانش»

برای نمونه، در این زمینه یکی از معلمان اظهار می‌کند:

«از این طریق دیگران را در دانش حرفه‌ای خود سهیم می‌کنیم و ضمناً از دانش حرفه‌ای دیگران نیز سهیم می‌بریم. نتیجه‌اش این می‌شود که همکاران به بهبود دانش عملی و حرفه‌ای هم‌یگر کمک می‌کنند. با این کار، صرفاً مصرف‌کننده دانش نظری و آموخته‌های دانشگاهی نیستیم و در تولید دانش حرفه‌ای نقش داریم...» (علم ۷).

یکی دیگر از معلمان می‌گوید:

«... همکاران را برای تولید و سهیم کردن دانش عملی و تربیتی دعوت می‌کنیم و به این ترتیب با به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه اجتماعی، بازخوردهای لازم را می‌گیریم و در قبال آن پاسخ لازم را هم می‌دهیم...» (علم ۱۶).

علم دیگری می‌گوید:

«ین بازخوردها در شبکه اجتماعی، میزان مشارکت را در تولید و سهیم شدن در دانش عملی هم‌دیگر نشان می‌دهد و هر کسی می‌تواند ببیند تا چه اندازه تجربیات زیسته او مورد توجه

سایرین بوده است. همچنین حین مطالعه اتوپیوگرافی همکاران، می‌توان درباره دانش عملی تولیدشده نظرات انتقادی در تأیید یا رد آن و همچنین اصلاح آن ارائه داد...» (ملعم ۹).

**جدول ۷.** ساخت مفهوم «مدیریت تسهیم دانش» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرمایی مضامین
۱	<p>معلم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● در دانش حرفه‌ای تولیدشده سهیم می‌شود؛</li> <li>● از مصرف کننده بودن یکسویه نظریه‌ها پرهیز می‌کند؛</li> <li>● به بهبود اشتراک دانش حاصل شده از موقعیت عملی تدریس و دانش نظری کمک می‌کند؛</li> <li>● در دعوت از اعضا برای تولید و تسهیم دانش تربیتی مشارکت می‌کند؛</li> <li>● از تشریک دانش با همکاران بازخورد می‌گیرد و بازخورد می‌دهد؛</li> <li>● در ارزشیابی دانش عملی تولیدشده مشارکت می‌کند؛</li> <li>● به مشارکت همکاران در تسهیم دانش نظارت می‌کند.</li> </ul>	<p>برگرفته از نظرات معلمان</p> <p>شماره ۷، ۴، ۱ ۱۷ و ۱۶، ۹</p> <p>۷</p>

## ۲. راهبرد «تشکیل گروه مطالعه»

به اعتقاد معلم شماره ۱۷:

«...می‌توان شاهد شکل‌گیری یک گروه مطالعه در فضای مجازی بود. در موقعی شاهد بودیم که همکاران با مطالعه اتوپیوگرافیها، همانند همکاران پژوهشی به نقد و بررسی تجارب زیسته می‌پرداختند؛ هر همکاری با اشتیاق مطلب خودش را ارائه می‌کرد و به نظرات سایرین هم اهمیت می‌داد...».

معلم شماره ۱۳ در این باره می‌گوید:

«اعضای گروه به مطالعه و تبادل نظر درباره بهتر شدن کار و بهبود دانش عملی و حرفه‌ای تأکید داشتند. همکاری و کمک به همدیگر کاملاً در نوشته‌ها و رفتارهای همکاران نشان می‌دهد که نسبت به تجارب زیسته یکدیگر ارزش قائل‌اند و در نتیجه هر کس در خصوص تجارب زیسته خود سعی می‌کند دوباره بیندیشد...».

## جدول ۸. ساخت مفهوم «تشکیل گروه مطالعه» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآوانی مضامین
	علم حین اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی:	
۱	<ul style="list-style-type: none"><li>به عنوان همکار پژوهشی در گروه، تجارب زیسته خود را نقد و بررسی و به اشتراک می‌گذارد؛</li></ul>	برگرفته از نظرات معلمان
۲	<ul style="list-style-type: none"><li>در شکل گیری گروه مطالعه برای ترویج پژوهش کلاسی، همکاری می‌کند؛</li><li>به همراه اعضای گروه به مطالعه و تبادل نظر درباره بهبود دانش عملی و حرفه‌ای می‌پردازد؛</li><li>به همراه سایر همکاران با بازندهای درباره تجارب زیسته، به دیگران یاری می‌رساند.</li></ul>	شماره ۷، ۴، ۱، ۱۳، ۹، ۱۷ و ۱۶
۳		

### ۳. راهبرد «آموزش و یادگیری گروهی»

در این باره معلم شماره ۱۸ معتقد است:

«بحث و تبادل نظر بین افراد از خود اطلاعات مهم‌تر است؛ چون تجربیات و محتوای ارائه شده منجر به تعامل افراد در گروه می‌شود و بحث درباره تجارب زیسته، کاربردی می‌شود، لذا دسترسی به نظرات و دانش عملی همکاران میسر می‌شود ...».

یکی دیگر از معلمان، اتوپیوگرافی در شبکه اجتماعی مجازی را تکمیل‌کننده آموزش‌های حضوری ضمن خدمت می‌داند و می‌گوید:

«... مثل همین‌الان که ما دوره آموزشی می‌بینیم، می‌توانیم برای کاربردی کردن این آموزش‌ها، تجربه‌های زیسته خود را در شبکه اجتماعی به اشتراک بگذاریم، الان هم در واقع همین کار را انجام می‌دهیم؛ یعنی آموزش‌هایی که در این دوره می‌بینیم، در کلاس درس خودمان به کار می‌بندیم و در محیط مجازی به شکل اتوپیوگرافی مطرح می‌کنیم، به نظر من این کار، ما را به رو در رو شدن با چالشها و مسائل آموزشی و یادگیری ترغیب می‌کند؛ طوری که شاهد استقبال همکاران برای پیگیری کیفیت در آموزش‌ها در مدارس بودیم، به نظر من این کار به تحول در مباحث فرهنگی و آموزشی کمک می‌کند...» (معلم ۴).

## جدول .۹ ساخت مفهوم «آموزش و یادگیری گروهی» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

فراوانی مضامین	مضامین کلیدی (داده‌ها)	شناسه
برگرفته از نظرات معلمان  شماره ۷، ۴، ۱ ، ۱۳، ۹ ۱۸ و ۱۷، ۱۶	<p>معلم حین اتوبیوگرافی در شبکه اجتماعی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● به افراد برای گفتگو و تبادل نظر دسترسی دارد؛</li> <li>● تجربیات وی و سایر اعضای گروه در تعامل با هم قرار می‌گیرند؛</li> <li>● به ارائه تجارب زیسته برای سایر اعضای گروه می‌پردازد؛</li> <li>● بحث را به شکل کاربردی پیش می‌برد؛</li> <li>● برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری، از چالش استقبال می‌کند؛</li> <li>● در تکمیل آموزش حضوری مشارکت می‌کند؛</li> <li>● به همراه سایر اعضا زمینه تأثیرگذاری بر تحول فرهنگی و آموزشی را فراهم می‌کند.</li> </ul>	۳

## ۴. راهبرد «حصول و ارائه دانش بر مبنای پژوهش»

یکی از معلمان نکات مهم و درخور توجهی را برای اتوبیوگرافی معلمان در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌کند:

«... اول اینکه همکاران به توصیف و تحلیل تجربه‌های زیسته خود می‌پردازند و حتی از نقد آنها استقبال می‌کنند و خود نیز فعالانه در نقد آنها مشارکت می‌کنند. این اقدام به خودی خود روحیه انتقادپذیری را در ما تقویت می‌کند و به این ترتیب تجارب خود را ارزیابی کرده و اشتباهاتمان را می‌بینیم. علاقه‌مند می‌شویم در کلاس کنگاوای کنیم و وضعیت موجود در کلاس درس را به تصویر بکشیم. این یک فرصت خوبی برای دوباره اندیشیدن درباره تدریس است تا برای بهبود وضعیت فکر کنیم ...» (معلم ۱).

## همکار دیگری چنین می‌گوید:

«توجه کنیم که اتوبیوگرافی همکاران، از تجارب زیسته واقعی در کلاس درس حاصل می‌شود. اگر معلم جستجوگر نباشد و با امر تحقیق و جستجوگری آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند دانش عملی و حرفه‌ای خود را ارائه کند. این دانش نتیجه بررسی و تلاش آگاهانه معلم است. بنابراین نوشتن تجارب توسط معلم حاصل بررسی و مطالعه عمیق معلم از رویدادها و اتفاقات است. در این راستا معلم به ارائه دانشی می‌پردازد که از تسلیم محض بودن در برابر آموزش‌های نظری آزاد است. این دانش می‌تواند مبتنی بر پژوهش در کلاس باشد...» (معلم ۱۱).

جدول ۱۰. ساخت مفهوم «حصول و ارائه دانش بر مبنای پژوهش» از نکات و مضامین کلیدی استخراج شده

شناسه	مضامین کلیدی (داده‌ها)	فرآینی مضامین
۴	<ul style="list-style-type: none"><li>معلم حين اتوبیوگرافی در شبکه اجتماعی:</li><li>تجربه زیسته خود را توصیف و تحلیل و بهطور همزمان تأیید و نقد می‌کند؛</li><li>با نقد تجارب، اشتباهات خود را می‌بیند؛</li><li>با ارائه نتایج عمل جستجوگرانه خود در کلاس درس، از وضعیت موجود انتقاد می‌کند؛</li><li>برای بازاندیشی درباره تدریس فرصت پیدا می‌کند؛</li><li>دنیای تجربه شده خود را عمیق‌تر مورد مطالعه قرار می‌دهد؛</li><li>دانشی را که بر مبنای پژوهش در کلاس درس حاصل شده است، ارائه می‌کند؛</li><li>تسلیم محض دانش نظری نمی‌شود؛</li><li>دانش مبتنی بر پژوهش در کلاس درس ارائه می‌دهد.</li></ul>	برگرفته از نظرات معلمان شماره ۷، ۴، ۱، ۱۳، ۱۱، ۹، ۱۸ و ۱۷، ۱۶

طبق معنایابی و تحلیل اطلاعات به دست آمده در جداول فوق، راهبردهای آموزشی شامل مجموعه عملیات برای دستیابی به اهداف «آموزش معلمان از طریق همراهانی تجربه زیسته معلمان در قالب اتوبیوگرافی، در شبکه‌های اجتماعی» در جدول ۱۱ تعیین شدند.

## جدول ۱۱. راهبردهای آموزشی و مجموعه عملیات تحت پوشش آنها در مدل (تصویر ۱)

راهبرد	مجموعه عملیات
راهبرد ۱: آموزش از طریق مدیریت تسهیم دانش	<p>ابتدا مدرس به موضوع مورد بحث دوره آموزشی مورد نظر می‌پردازد، سپس با ارائه نظریه‌های موجود پیرامون مستله مورد بحث، آنان را با مبانی نظری آشنا می‌کند. پس از آن از معلمان شرکت‌کننده در جلسه می‌خواهد شرح حالی از واقعیت آموزشی و تربیتی مرتبط با مستله مذکور در دوره زندگی و تدریس‌شان در مدرسه از طریق شبکه اجتماعی مجازی (تلگرام) نقل کنند. در این رهگذر از معلمان خواسته می‌شود تجربه‌های اصیل خود را به اشتراک بگذارند و مورد تحلیل و تفسیر قرار دهند. از آنها خواسته می‌شود نظریه‌ها و دانش تربیتی تولید شده در دانشگاهها را تجربه‌های اصیل خود انتطبیق دهند. از معلمان خواسته می‌شود برای سهیم شدن در تولید دانش تربیتی و دانش حرفای تدریس، ایده‌هایی از اشتراک بگذارند. از این رهگذر آنها از میزان تشریک دانش با همکاران بازخورد می‌گیرند و بازخورد می‌دهند. از معلمان خواسته می‌شود در ارزشیابی از دانش عملی تولیدشده مشارکت کنند. در این راستا بر میزان مشارکت همکاران در تسهیم دانش نظرات می‌شود.</p>
راهبرد ۲: آموزش از طریق شکل‌گیری گروه مطالعه	<p>معلمان شرکت‌کننده در دوره آموزشی، ضمن اتوبیوگرافی و نوشتن شرح حالی از واقعیت آموزشی - تربیتی در شبکه اجتماعی مجازی، به عنوان همکاران گروه پژوهشی، تجارب زیسته خود را به منظور نقد و بررسی به اشتراک می‌گذارند. از معلمان خواسته می‌شود در شکل‌گیری گروه مطالعه برای نقد و بررسی پژوهش‌های مبتنی بر اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی همکاری کنند. اعضای گروه به مطالعه و تبادل نظر درباره بهبود دانش عملی و حرفه‌ای می‌پردازند. در این راستا از معلمان خواسته می‌شود درباره تجارب زیسته خودشان بازآندهایی کنند. از این رهگذر، آنان به تقویت توان آموزشی و پژوهشی همدیگر کمک می‌کنند.</p>
راهبرد ۳: آموزش و یادگیری به صورت گروهی	<p>معلمان با همسانی اتوبیوگرافی در شبکه مجازی به عنوان مکمل آموزش حضوری ضمن خدمت، اقدام به تشکیل گروه می‌کنند و زمینه تأثیرگذاری بر تحول فرهنگی و آموزشی را فراهم می‌کنند. معلمان شرکت‌کننده در دوره آموزشی، ضمن نوشتن شرح حالی از واقعیت آموزشی - تربیتی در شبکه اجتماعی مجازی و دسترسی به سایر اعضای گروه، به گفتگو، بحث و تبادل نظر درباره اطلاعات و تجارب همدیگر می‌پردازند. در این راستا تجربیات آنان در تعامل با هم قرار می‌گیرد. معلمان به ارائه محتوا برای سایر اعضای گروه می‌پردازند و با ارائه تجارب زیسته خود، بحث را به شکل کاربردی پیش می‌برند. از معلمان خواسته می‌شود به همراه سایر اعضاء در گروه، کیفیت آموزش و یادگیری را در مدارس به چالش بکشند و برای بهبود آن از تجارت‌بیان بنویسند. از آن خواسته می‌شود برای سایر اعضای گروه بنویسند که این تجارب چگونه و در چه ابعادی به توسعه آنها کمک کرده است.</p>
راهبرد ۴: آموزش از طریق دانش حاصل از پژوهش روایتی	<p>از معلمان شرکت‌کننده در دوره آموزشی خواسته می‌شود ضمن نوشتن شرح حالی از واقعیت آموزشی - تربیتی در شبکه اجتماعی مجازی، با دقت در آن شرح حال تأمل کنند و تجارب زیسته خودشان را توصیف و تحلیل و معانی مهم را از آنها استخراج کنند و آنها را با مبانی نظری انتطباق دهند. از معلمان خواسته می‌شود با بررسی و نقد تجربه، اشتباههای خودشان را ببینند و با ارائه نتایج حاصل از عمل جست و جوگرانه خود در کلاس درس، از وضعیت موجود انتقاد کنند. با همسانی اتوبیوگرافی در شبکه اجتماعی، به معلمان فرصت داده می‌شود درباره برنامه درسی و تدریس بازآندهایی کنند. از آن خواسته می‌شود دنیای تجربه شده خود را عemicتر مورد بررسی و مطالعه قرار دهند و دانشی را که بر مبنای پژوهش در کلاس درس به دست آورده‌اند، همسانی کنند. از آن خواسته می‌شود گفته‌های دیگران (آموزشها و دانش نظری) را مورد نقد قرار دهند و دانشی را که از راه روایت پژوهی به دست آورده‌اند با همکاران به اشتراک بگذارند.</p>

کاربست هم‌سانی تجربه زیسته معلمان  
در قالب اتوپیوگرافی از طریق شبکه‌های  
اجتماعی برای آموزش همکاران

طهماسب کاسوی؛ دکتر غفت غیابی؛ دکتر محمد عطاران  
و دکتر علی حسینی خواجه



**تصویر ۱.** مدل کاربردی «هم‌سانی تجربه زیسته معلمان در قالب اتوپیوگرافی از طریق شبکه‌های اجتماعی برای آموزش همکاران»

## ■ بحث و نتیجه‌گیری ■

در این پژوهش به پژوهانه مفاهیم نظری برگرفته از مطالعه ادبیات پژوهشی و مفاهیم تجربی برگرفته از روایتهای معلمان از تجربه هم‌سانی اتوپیوگرافی در فضای مجازی، چگونگی هم‌سانی تجربه زیسته معلمان در قالب اتوپیوگرافی از طریق شبکه‌های اجتماعی برای آموزش معلمان بررسی و تبیین شد. نتیجه بررسی برخی پژوهشها (مانند لیو و همکاران، ۲۰۱۵ و لیائو و همکاران، ۲۰۱۵) حاکی از آن است که استفاده از فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی به یادگیری مؤثر و پرورش همکاری میان افراد می‌نجامد. همچنین طبق برخی دیگر از تحقیقات (عطاران و عبدالی، ۱۳۹۱؛ توون-لیندزی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کریگ، ۲۰۱۱)

برخورداری از تنوع امکانات فنی شبکه‌های اجتماعی در آموزش بهمنظور افزایش خلاقیت و بهبود کیفیت آموزش است که می‌توان آن را در زمینه مقوله‌های بازسازی تجارب، بیان آزاد حقیقت درون و رویش اندیشه مورد توجه قرار داد. پژوهش گریفیث و لیانج (۲۰۰۸) تشکیل گروه مطالعه و ترویج پژوهش‌های مبتنی بر پژوهش و به اشتراک‌گذاری دانش را از قابلیتهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شمرده است و در پژوهش‌های مانند سلند (۲۰۱۷)، پارکر و همکاران (۲۰۱۷) و کلارک (۲۰۱۶) استفاده از پژوهش روایتی مشارکتی مورد توجه واقع شده است. همچنین در برخی پژوهشها (از جمله، لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ توون-لیندزی و همکاران، ۲۰۱۵؛ جانکو، ۲۰۱۲) به مؤلفه «مدیریت تسهیم دانش» توجهی ویژه شده است. در برخی پژوهشها نیز، سودمندی فناوریهای ارتباطی جدید در آموزش و یادگیری گروهی» تأیید شده است (کلارک، ۲۰۱۶؛ والتون و همکاران، ۲۰۱۵؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۵). با نگاهی به ادبیات موضوع و تحلیل یافته‌های پژوهش و بررسی دیدگاههای مرتبط با این قلمرو، بهنظر می‌رسد که ایده شکل گرفته در این مطالعه، بیشترین قرابت را با دیدگاه ریچارد بات و دانیل ریموند دارد و از سوی آن حمایت می‌شود. آنها بر این باورند که از طریق مطالعه اتوپیوگرافی مشارکتی معلمان می‌توان نحوه تفکر، احساس و عمل معلمان را فهمید (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

با بررسی پژوهش‌های دیگر، این اندیشه قوت گرفت که اتوپیوگرافی، معلمان را در فهم و تفسیر تجربیات‌شان و چگونگی سهیم شدن سایر معلمان در آن، مورد توجه قرار داده و نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی را در اشتراک‌گذاری دانش عملی و شخصی معلمان که حاصل به کارگیری نظریه‌های مربوط به تدریس و یادگیری در فعالیت روزمره کلاس درس از سوی آهاس است، تبیین نموده است. بر مبنای نتایج این پژوهش پیش‌بینی می‌شود، با اضافه شدن روشی کاربردی و خلاقانه برای همراسانی تجربه زیسته معلمان به روند اجرای برنامه‌های ضمن خدمت معلمان در کنار روش‌های مرسوم، معلمان نسبت به استفاده از محتوای آموزش‌های ضمن خدمت در موقعیت کلاس درس خود، انگیزه بیشتری پیدا کنند. این روش به آنها امکان خواهد داد تا فرصتی برای بازآندیشی و تغییر درباره برنامه درسی و تدریس داشته باشند.

# منابع

## REFERENCES

صلائمی، حسن؛ فتحی‌واجارگاه، کوروش؛ عطاران، محمد و فروغی ابری، احمدعلی. (۱۳۹۳). تدوین الگوی برنامه ریزی درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی برای آموزش و به سازی استادی. دو ماهنامه علمی-پژوهشی راهبهای ردهای آموزش در علوم پرشنگی، ۷ (۳)، ۱۹۸-۱۹۱.

عطاران، محمد و عبدالی، مصطفی. (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشاپر کوچ رو: روایتهای یک معلم. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۷ (۲۵)، ۴۵-۶۴.

فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر. تهران: انتشارات آیز.

Butt, R. L., & Raymond, D. (1989). Studying the nature and development of teachers' knowledge using collaborative autobiography. *International Journal of Educational Research*, 13(4), 403-419.

Choi, T. H. (2013). Autobiographical reflections for teacher professional learning. *Professional Development in Education*, 39(5), 822-840.

Clarke, A. M. (2016). *A digital narrative inquiry with teachers developing instructional digital stories: Opportunities and challenges*. [Electronic Dissertation, Queen's University Belfast].

Craig, C. J. (2011). Narrative inquiry in teaching and teacher education. In J. Kitchen, D. C. Parker, & D. Pushor (Eds.), *Narrative inquiries into curriculum making in teacher education* (pp. 19-42). Emerald Group Publishing Limited.

Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed.). Boston, MA: Pearson.

Davis, B., & Sumara, D. (2010). Curriculum and constructivism. In P. L. Peterson, E. L. Baker, & B. McGaw (Eds.), *International encyclopedia of education* (3rd ed., pp. 488-493). Oxford, UK: Elsevier Ltd.

Griffith, S., & Liyanage, L. H. (2008). An introduction to the potential of social networking sites in education. In I. Olney, G. Lefoe, J. Mantie, & J. Herrington (Eds.), *Proceedings of the Second Emerging Technologies Conference 2008* (pp. 76-81). Wollongong: University of Wollongong.

Hadar, L., & Brody, D. (2010). From isolation to symphonic harmony: Building a community of learners among teacher educators. *Teaching and Teacher Education*, 26(8), 1641-1651.

Junco, R. (2012). The relationship between frequency of Facebook use, participation in Facebook activities, and student engagement. *Computers & Education*, 58(1), 162-171.

Lee, S. M. (2014). The relationships between higher order thinking skills, cognitive density, and social presence in online learning. *The Internet and Higher Education*, 21(1), 41-52.

Liao, Y. W., Huang, Y. M., Chen, H. C., & Huang, S. H. (2015). Exploring the antecedents of collaborative learning performance over social networking sites in a ubiquitous learning context. *Computers in Human Behavior*, 43, 313-323.

Li, J., & Logan, K. D. (2017). Stories of an English language arts teacher in a high need secondary school: A narrative inquiry into her best-loved self. In V. Ross, E. Chan, & D. K.

Keyes (Eds.), *Crossroads of the classroom: Narrative intersections of teacher knowledge and subject matter* (pp. 137-156). Emerald Publishing Limited.

Lim, C. P., & Lee, J. C. K. (2014). Teaching e-portfolios and the development of professional learning communities (PLCs) in higher education institutions. *The Internet and Higher Education*, 20, 57-59.

Liu, M., Abe, K., Cao, M., Liu, S., Ok, D. U., Park, J. B., ... Sardegna, V. G. (2015). An analysis of social network websites for language learning: Implications for teaching and learning English as a second language. *CALICO Journal*, 32(1), 114-152.

Lowe, B., & Laffey, D. (2011). Is Twitter for the birds? Using Twitter to enhance student learning in a marketing course. *Journal of Marketing Education*, 33(2), 183-192.

McGraw, A., Dresden, J., Gilbertson, E., & Baker, M. (2017). Site-based teacher education as a context for attending to the complexity and person-centred nature of teaching and learning: A narrative inquiry involving teacher educators from Australia and the United States. In J. Nuttall, A. Kostogriz, M. Jones, & J. Martin (Eds.), *Teacher education policy and practice: Evidence of impact, impact of evidence* (pp. 51-65). Singapore: Springer.

Parker, D. C., Murray-Orr, A., Mitton-Kukner, J., Griffin, S. M., & Pushor, D. (2017). Problematizing complexities and pedagogy in teacher education programs: Enacting knowledge in a narrative inquiry teacher education discourse community. *Canadian Journal of Education*, 40(2), 1-30.

Prestridge, S. (2010). ICT professional development for teachers in online forums: Analysing the role of discussion. *Teaching and Teacher Education*, 26(2), 252-258.

Ragoonaden, K. (2015). Self-study of teacher education practices and critical pedagogy: The fifth moment in a teacher educator's journey. *Studying Teacher Education*, 11(1), 81-95.

Riessman, C. K. (2008). *Narrative methods for the human sciences*. Sage.

Rosenthal, G., & Fischer-Rosenthal, W. (2004) The analysis of narrative-biographical interviews. In U. Flick, E. von Kardorff, & I. Steinke. (Eds.), *A companion to qualitative research* (pp. 259-265). London: Sage.

Schroeder, J., & Greenbowe, T. J. (2009). The chemistry of Facebook: Using social networking to create an online community for the organic chemistry laboratory. *Innovate: Journal of Online Education*, 5(4), 1-7.

Selland, M. K. (2017). The edge of messy: Interplays of daily storytelling and grand narratives in teacher learning. *Teachers and Teaching*, 23(3), 244-261.

Selwyn, N. (2009). Faceworking: Exploring students' education-related use of Facebook. *Learning, Media and Technology*, 34(2), 157-174.

Tillema, H., & Orland-Barak, L. (2006). Constructing knowledge in professional conversations: The role of beliefs on knowledge and knowing. *Learning and Instruction*, 16(6), 592-608.

Toven-Lindsey, B., Rhoads, R. A., & Lozano, J. B. (2015). Virtually unlimited classrooms: Pedagogical practices in massive open online courses. *The Internet and Higher Education*, 24, 1-12.

Valtonen, T., Kukkonen, J., Kontkanen, S., Sormunen, K., Dillon, P., & Sointu, E. (2015). The impact of authentic learning experiences with ICT on pre-service teachers' intentions to use ICT for teaching and learning. *Computers & Education*, 81(1), 49-58.